

در آستانه ی بزرگداشت صدمین سالزاد داکتر محمودی فقید



جاویدان یاد داکتر عبدالرحمن محمودی

خوانندگان ارجمند سایت گفتمان دموکراسی !

«چهره های آشنا» تلویزیون «نور» در آستانه صدمین سال زاد پیشوای جنبش مشروطیت و دموکراسی داکتر عبدالرحمن محمودی برنامه ای اجرا نمود. به همین مناسبت از بزرگانی دعوت بعمل آورد تا در مقام با عظمت آن فداکار نستوه صحبت نمایند که البته مورد دلچسپی بینندگان برنامه قرار گرفت. نظر به تقاضای عده ی زیادی از علاقمند آن مرحوم در اروپابخشی از این برنامه به سایت وزین شماجهت نشر ارسال گردید

قبل از سخنرانی و صحبت مهمانان ارجمند گوشه ای از زندگی نامه آن بزرگ مرد از جانب گرداننده برنامه «چهره های آشنا» پیشکش گردید:

(دکتور محمودی فقید فرزند مولوی محمود در سال 1288 خورشیدی در بارانه این کهن دیر قهرمان پرور و یاد اور رویای شیرین کابل قدیم چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را در لیسه حبیبیه به پایان رسانید، سپس شامل دانشکده ء دانشگاه کابل شد، ایشان از جمله ی اولین دوره فارغ تحصیلان دانشکده طب کابل میباشند. بعد از فراغت مسؤلیت دیپارتمنت عقلی و عصبی بیمارستان علی آباد بعده داشت و استاد دانشگاه بودند. در جامعه ای که تحقیر، تبعیض ظلم، استبداد و بیعدالتی مسلط باشد. لاجرم بزرگمردان و پیشوایانی بدفاع از حق حاکمیت مردم از عدالت، آزادی از بطن جامعه سر برون میکنند و پیشا پیش جنبش حق و عدالت قرار میگیرند. محمودی فقید که از عنفوان جوانی ظلم و تعدی حکومتداران و ستمکاران را با تمام جان خود در ک کرده بود مردانه وار به پیکار بی امان بپا برخاست و در راه احقاق حقوق مردم تا پای جان درفش جنبش مقاومت و آزادگی

را در کشور برافراشته نگهداشت ده سال زندان با مشقت را پذیرا شد ولی تا واپسین رمق از پا نایستاد و شرافتمندانه مرگ را پذیرا شد. روحش شاد باد..

در سر آغاز جناب داکتر اسدالله آصفی از (سویس) خواهش شد در رابطه به شخصیت آن علم بردار جنبش دموکراسی و عدالت خواهی صحبت نمایند. .



دوکتور اسد آصفی

با عرض سلام صمیمانه به هموطنان غربت نشین و سپاس فراوان به گردانندگان برنامه (چهره های آشنا)ی تلویزیون (نور) که مرا افتخار بخشیدند در آستانه صدمین سالزاد بزرگ مرد تاریخ مشروطیت و دموکراسی معاصر وطن دکتور محمودی فقید صحبتی با بینندگان ارجمند برنامه ی وزین شما داشته باشم .

و سخن امشب از بزرگداشت پیشوائی ست که از بطن جامعه و مردم سر بر افراشت راد مردانه به دفاع از حقوق مردم در برابر استبداد زمان به پا برخاست و تا واپسین رمق زندگی از اصالت مردم، از قدرت مردم ، از آزادی، عدالت اجتماعی و حاکمیت مردم بدفاع برخاست. این بزرگ مرد نستوه بران بود که: « سر آغاز هر جنبش عدالت خواهی و ترقی و تعالی جامعه و مردم موضع گیری اصولی و ملی ، مقاومت در برابر زور و استبداد ، تنویر ذهنیت عامه ، صداقت در گفتار، شهامت و فداکاری در کردار است.»

به نظر من هیچ فردی را در تاریخ معاصر از نظر مردم دوستی، میهن پرستی ، پیگیری در مبارزه بر ضد استبداد ، استقلال طلبی و رشادت با او نمیتوان سنجید که در سراسر کار سیاسی او در زمینه تبلیغ و ترویج حکومت خلق و اهمیت عظیم شورای ملی و مردمی دلپستگی وجود داشته باشد.

محمودی فقید این سترگ مرد اندیشه و عمل در دوران جنبش مشروطیت معاصر، سمبول تسلیم نا پذیری در برابر استبداد زمان ، سمبول تولید فکر و اندیشه دموکراسی و کنش اجتماعی بود. در جریده ندای خلق ار گان حزب خلق آمده است: « جریده ندای خلق خدمتگار و رهنمای مردم است و به خاطر حقوق مردم مبارزه میکند. هدف آن دستیابی به پارلمان آزاد بر اساس انتخابات آزاد است.»

عقیده داشت که: مجلس شورای ملی وقتی میتواند تکیه گاه واقعی مردم و مظهر حقیقی خواسته های خلق باشد که نمایندگان آن از جانب مردم انتخاب شوند و خود را موظف به پیروی از اراده ملت بدانند و جز در راه تامین سعادت و عظمت کشور قدم بر ندارد.

اندیشه و افکار محمودی فقید در مورد دستگاه دولت و خاندان حاکم بر سرنوشت مردم بسیار روشن بود . از اینرو معتقد به حکومت مردم بر پایه اجرای اصول و قانون بود . همواره تکرار میکرد که اگر حکمرانان در امور حکومت مداخله کنند استبداد در کشور حاکم خواهد شد.

روان شاد دكتور محمودی در یکی از کنفرانسهای اتحادیهء محصلین باری ابراز داشت: "... از یک قرن به این طرف سیاست های شوم استعمار و استبداد ما را از کشور های همجوار مان جدا و بااختناق دچار ساخته ما از تعیین سرنوشت خویش محرومیم ، مقدرات ما را بیگانگان رقم میزنند... ما از قافله مدنیت بسیار بدور مانده ایم کلمه حق را تازه بر زبان میرانیم بحقوق خود آشنا نیستیم جرات گفتن را از ما سلب نموده اند. من بعنوان یک طبیب میگویم که: این همه درد بیماری های اجتماعی ناشی از ستم به یک درمان عمیق و ریشه دار مردمی نیاز دارد و آن دموکراسی و حکومت مردم برای مردم و از طرف مردم است."

برخی داکتر محمودی رایک شخصیت ملی گرا با گرایشات ناسیونالیستی معرفی کرده، بعضی ها هم عنصر مشروطه خواه و مخالف استبداد میدانند ، برخی هم رادیکالیست و واقع گرا معرفی میکنند . عده ای هم سوسیال دموکرات او را می انگارند ، ولی بر مبنای آثار و نبشته های خودش نظریات ایشان متناسب با ظرفیت زمانش بوده و هرگز راه افراط نه پیموده اند . چنانچه در جریده ندای مرام نشراتی ندای خلق تأکید شده است که : « فداکاری با نشر قلم در راه خدا، تمامیت خاک، ضمانت ناموس وطن و حقوق و نوامیس مشروطیت از فرایض اولیه نامه ندای خلق است و مجاهده در راه تامین وحدت ملی تحریص مردم بکار و دفاع از حقوق و منافع خلق در کار و پیکار، هدف اساسی این نامه بوده و رهنمایی خلق است. ما مبارزه با استعمار و دشمنان منافع خلق را هدف خود میدانیم ... تامین دموکراسی حقیقی و ادراک حس مسؤولیت اجتماعی و پابندی و عشق به قانون و نظم، دشمنی با تشدد و اغتشاش و بی نظمی که مخالف مرام و اساس دموکراسی است ، میتوان سعادت و خوشبختی را به آغوش کشیده مظلوم و سیاه روزی را بر طرف ساخت .

این است روح مرامنامه ندای خلق که بلا تفرق نژاد مظهر احساس و عواطف و افکار اقوام از آمو تا سند خواهد بود ...ومن الله توفیق محمودی»

با گسترش روز افزون جنبشهای ضد استبدادی و تحولاتی که از یک جانب باز تاب بحران سیاسی اقتصادی و اجتماعی ناشی از بی کفایتی حکومت خود کامه و از جانب دیگر اثرات جنگ جهانی دوم

و تحولاتی که در سطح جهانی بعد از جنگ رونما گردید، عواملی تبارز شدید بحران در افغانستان گردید. حکومتگران زیر چنین شرایط نوین برای استمرار و استحکام هر چه بیشتر قدرت سیاسی خویش به انتخاباتی موقتی، راه دموکراسی از جمله تغیر در کابینه و اعلان آزادی مطبوعات و بیشتر از آن انتخابات شاروالی ها و نمایندگان شورا تن در دهد. روانشاد فرزانه دكتور محمودی با استفاده از این موقعیت اظهار داشت:

" اکنون که دولت در اثر سیر حوادث گیتی و مجبوریت های سیاسی و تجارب تلخ چندین ساله، اداره خود را دموکراسی میخواند، خلق هم حق دارد برای تشکیل حکومت توسط رأی آزاد خویش مبارزه نماید ... اگر ما به اساس حزبی، وکلای با ناموس و نماینده حقیقی خود را انتخاب کنیم به این صورت شورای ملی و کابینه را بدست خود گرفته و یک حکومت صحیح و مسئول در مقابل خلق تشکیل نماییم ، همه دردهای ما علاج شده و راه حقیقی نجات خود را پیدا خواهیم نمود..."

داکتر محمودی فقید و بخشی از روشنفکران دموکرات و مشروطه خواه با استفاده از این موقف توانستند از شهر کابل و بعضی ولایات به نمایندگی انتخابی مردم در پارلمان دوره هفتم شورا راه یابند. آنها مصمم بودند تا دموکراسی کاذبی را که دولت از بالا بنا بر ملحوظات خاصی آورده بود، از پائین، برای استقرار رژیم دموکراتیک و پارلمانی بسود ملت افغانستان تغیر دهند. جسارت راد مردانه، سخنرانیهای پر شور و انعکاس افکار و عقاید محمودی فقید و هم فکرائش در پارلمان، و روشنگری حقایق درد آور، ذهنیت و افکار نمایندگان پارلمان را بر علیه جنایات و تاراج دولت و وابستگی های رژیم از طریق تحمیل امتیازات به بیگانگان برانگیخت که بر اثر حمایت و قدرت مردم از یک جانب و دور اندیشی و واقع بینی وی و همفکرائش از جانب دیگر جبهه ای را بعنوان اپوزیسیون پارلمانی در شورای ملی ایجاد نمایند. این ابتکار فصل نوینی را در تاریخ مبارزات ضد استبدادی گشود.

دكتور محمودی با شرکت در پارلمان به عنوان نماینده مردم بیانیه های پرشور انتقادی و سازنده ای ایراد و شور و شوق بی مانندی را در ذهنیت مردم تولید نمود

و علی رغم سنگ اندازی ها و فتنه انگیزی های عوامل خود فروخته و مزدور، اپوزیسیون در پارلمان به دست آورد های چشمگیر ملی نایل گردید. روانشاد محمودی با استفاده از تالار شورای ملی سعی بعمل آورد تا تحولات و تغییرات و روابط سیاسی - اجتماعی تاریخ معاصر افغانستان را برای کوتاه کردن نفوذ قدرت های بیگانه و عوامل داخلی آن هرچه بیشتر پرتوان سازد . پروژه های ناکام و قرارداد های اسارت بار خارجی را مورد بررسی و اعتراض قرار دهند

و برای اولین بار وزرای مسئول در این رابطه را محکوم و به محاکمه در دیوان عالی معرفی نمایند

، قوانین اسارت بار را بسود مردم در بخش های گونه گون تغییر تعدیل نمایند - اصول مالیاتی را بسود مردم فقیر اقشار و طبقات مردم تغییر دهند خریداری اجباری گندم از زارعین و کار اجباری بیگار را منع نمایند.

داکتر محمودی فقید در هر مجمع و محضر مردم با خطابه های پرشور و سازنده به افشای استبداد حاکم پرداخت. و راه ها و وسایل ایجاد حکومت مردمی را شناسایی نمود. نام محمودی فقید در شورا و بیرون از شورا با جنبش دموکراتیک در افغانستان گره خورد و در سراسر افغانستان بر سر زبانها افتاد. اینها همه عواملی بودند که لرزه بر اندام خاندان حاکم انداخت و بنا بفرموده مرحوم غبار «این بود که حکومت الزاما برخلاف نقطه نظر های اولیه خود با اعلام دموکراسی به الغای آن پرداخته و نمایندگان راستین مردم را در توطئه 31 حمل 1331 زندانی و اختناق افتضاح آمیز (هاشم خانی) را از سر گرفت».

بعضی لحظات تاریخی گویای قدرت آدمی و نشانه ی عظمت ایمانی و عشق به هدف در اعتقادات انسانی است. عمال مزدور و خود فروخته دولت و دربار چندین بار بر جان محمودی فقید آن رادمرد دشمن استبداد و فدائی آزادی سوء قصد نمودند ولی او جان سلامت برد. بعد از این سوء قصد ها او در خطابه ای با قاطعیت بر موضع انسانی خویش ایستادگی نمود و اظهار داشت: "اگر قدرت حاکم و عمال آن سرم را ببرند من از مبارزه بر ضد استبداد و دفاع از حقوق مردم بر نمیگردم". محمودی را بجرم همین گناه بدون محاکمه زندانی نمودند. ولی او بیدار نبود که از این باد ها بلرزد زندان و زنجیر را پذیرا شد. به او رتبه وزارت بهداشت را در ازای توبه نامه و ندامت از اعمال گذشته و قبول منافع خانواده حکمران پیشنهاد کردند. ولی او آزادی طلب بود نه جاه طلب هرگز بر سر منافع مردم به معامله نشست. در اعتقاد خود تردید نکرد، از اتکا به اصالت ملت و قدرت توده ی مردم باز نه ایستاد و با ایثار جان از پای نشست و یک قدم به عقب نگذاشت. این فدایی آزادی با چنین متانت و مناعت نفس درس مقاومت و پایمردی را به نسل های بعد از خود آموخت

سیر حوادث و مجبوریت های سیاسی و تجارب تلخ در آغاز دهه چهل خورشیدی نیز در انگیزه دموکراسی آن دهه نقش داشت. اما این به فراموشی رسیده گی و بی اعتنای تاریخی پسین بود که مجال فراگیری از درس های محمودی و هم اندیشان او را نداد.

داکتر محمودی در تاریخ معاصر افغانستان از جمله ی روشنفکران و پیشروان نادری بود که زندگی و هستی و آزادی خود را در راه مبارزه بر علیه استبداد حاکم بر افغانستان وقف نمود. با تقوا و با فضیلت بود، اهل مقام و جاه نبود بر سر اصول و مبانی حقوق انسانی معامله و سازش نکرد وطن و وطنداران خود را با تمام وجود دوست داشت. رنج محرومین و زحمتکشان جامعه را درک میکرد. خواستار سیاستی بود که بتوان در پرتو آن افغانستان عزیز را از مطامع بیگانگان حفظ کند قانون رشد و توسعه واقعی جامعه را میشناخت. در راه استقلال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد حکومت مردم بر پایه های دموکراسی مبارزه نمود و در این راه جان سپرد، ولی از عزم راسخ خود بر نگشت.

سزاوار است او را گرامی داریم

تشکر